جناب محمّد علی علیه بهآء اللّه

بنام یکتا خداوند دانا

نامه‌ات رسید ندایت را شنیدیم و در سجن اعظم از مالک قدم آنچه مصلحت است از برای تو خواستیم انسان خود بر نفع و ضرّ خود آگاه نه علم غیب مخصوصست بذاته تعالی بسا میشود انسان امریرا که بنظرش پسندیده است از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید و بعد کمال ضرّ از او حاصل لذا قلم اعلی مقام توکّل و تفویض را القا فرمود بر هر صاحب بصر و ادراکی معلوم و واضحست که از حقّ جلّ جلاله آنچه ظاهر میشود از مقتضیات حکمت بالغه بوده و هست و اگر کسی تفویض نماید و توکّل کند البتّه آنچه مصلحت اوست ظاهر شود باید باسباب تمسّک نمود و متوکّلاً علی اللّه مشغول گشت قل

 الهی الهی قد اقبلت الیک و توجّهت الی بحر جودک و سمآء عطائک و مشرق فضلک اسألک بأن تکتب لی من قلمک الأعلی خیر الآخرة و الأولی ای ربّ انا الّذی توکّلت علیک و فوّضت اموری الیک اسألک بأن تقدّر لی ما ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک ثمّ اجعلنی یا الهی مستقیماً علی امرک بحیث لا تمنعنی صفوف العالم و ضوضآء الأمم انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت القویّ الغالب القدیر

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر